

**نویسنده :** اندرو کوریبکو «Andrew Korybko»

منبع و تاریخ نشر "گلوبال ریسرچ «2021-12-14».

**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

## خروج ایالات متحده از افغانستان: پیامدهای ژئوپلیتیکی ادغام اوراسیا کمربند و جاده چین

*US Withdrawal from Afghanistan: Geopolitical Implications. Eurasian Integration. China's Belt and Road*



سرمايه‌گذاري‌هاي يك کمربند و يك جاده چین در بسياري از اين کشورهاي عضو، چالش‌ها ويا پرابلم‌هاي حمل و نقل قبلي آنها را حل کرده است و در نتیجه به آنها اين فرصت را می‌دهد که در نهايت در صورت داشتن اراده، پتانسيل کامل خود را به کار گیرند.

پانزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری اقتصادی شانگهای در اواخر ماه گذشته در عشق‌آباد دپايتخت ترکمنستان برگزار شد. اين گروه از کشورها شامل افغانستان، آذربایجان، ایران، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، ترکمنستان و ازبکستان است. اين یکی از امیدوارکننده‌ترین فرمت‌هاي ادغام در اوراسیا است، اما هنوز به پتانسيل کامل خود نرسیده ويا نزدیک نشده است. اين به خاطر دو دهه اشغال افغانستان توسط ایالات متحده و فقدان زیرساخت‌هاي ارتباطی است.

خروج آمریکا از افغانستان تحولی در وضعیت ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک منطقه ایجاد کرد. همچنین زمانی که سه پروژه ارتباطی منطقه ای به کریدورهای حمل و نقل شرقی- غربی تبدیل می‌شدند. اینها پروژه شاخص ابتکار کمربند و جاده (BRI) از کریدور اقتصادی چین- پاکستان (CPEC)، کریدور اقتصادی چین- آسیای مرکزی- غرب آسیا (CECWAEC) و کریدور میانی بین چین و ترکیه از طریق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی اند.

دو مورد اول به طور رسمی بخشی از BRI هستند در حالی که آخرین می‌تواند به طور غیر رسمی بخشی از این شبکه اتصال جهانی در نظر گرفته شود. همچنین پتانسیل ایجاد کریدور چین- تاجیکستان- افغانستان- ایران نیز وجود دارد که با سرمایه گذاری پکن در جاده های شرقی تاجیکستان در حال پیشرفت است. علاوه بر این، CPEC می‌تواند از طریق چشم انداز W-CPEC+ برای ارتباط با جمهوری اسلامی به سمت غرب گسترش یابد. این کشور برای چین بسیار مهم است زیرا این دو کشور در اوایل سال جاری به یک قرارداد مشارکت استراتژیک 25 ساله دست یافتند.

با در نظر گرفتن این مشاهدات، دو تحول را می‌توان به عنوان د میدان روح به این سازمان توصیف کرد: خروج آمریکا از افغانستان و سرمایه گذاری های ادغام اوراسیا به رهبری چین از طریق BRI و پروژه هایی که به آن مرتبط هستند مانند کریدور میان و آینده کریدور یا دهلیز افغانستان اینها مبنای محکمی را فراهم می‌کنند که بر اساس آن ECO «سازمان همکاریهای اقتصادی» می‌تواند در نهایت با توجه به واقعیت جدید ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک منطقه ای، شروع به تحقق پتانسیل امیدوار کننده خود کند.

## خروج بایدن از افغانستان ضربه ای به چین نیست

با این وجود، حتی با خروج آمریکا از افغانستان، اگر سرمایه گذاری های منطقه ای BRI در چند سال گذشته نبود، ECO همچنان برای غلبه بر بزرگترین چالش خود تلاش می‌کرد ولی فقدان زیرساخت های حمل و نقل این سازمان را ناتوان کرد و به عنوان مانع اصلی برای گسترش روابط همه جانبه بین بسیاری از اعضای اکثریت مسلمان آن بود. چین به معنای واقعی کلمه بازی را از طریق BRI تغییر داد، که بدین ترتیب امید به آینده ECO را القا می‌کند.

این بلوک باید بر چندین هدف به هم پیوسته تمرکز کند. اول، باید اطمینان حاصل کند که وضعیت در افغانستان از کنترل خارج نمی‌شود. برای این منظور، اعضای آن نه تنها می‌توانند قول ارائه کمک های بشردوستانه بسیار مورد نیاز را بدهند، بلکه پروژه های سرمایه گذاری مختلفی را نیز پیشنهاد می‌کنند که می‌توانند به طور پایدار پتانسیل اقتصادی آن را پس از تثبیت نهایی آن باز کنند. برای مثال، کریدور لاجورد می‌تواند با CPEC متصل شود و پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه در آن سرمایه گذاری کنند.

**دوم،** کشورهای اکو «Eco» باید برای هماهنگ کردن رژیم‌های گمرکی خود تلاش کنند، که گفتن آن آسانتر از انجام آن است، زیرا ترکیه عضو مشتاق اتحادیه اروپا است در حالی که قزاقستان و قرقیزستان بخشی از اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAO) به رهبری روسیه هستند. با این وجود، آنها باید راه‌های عملی برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری بین خود ببینند، در غیر این صورت هرگز به پتانسیل کاملی که قرار است به آن دست پیدا کنند، نخواهند رسید.

**سوم،** در میان برخی از اعضای اکو این نگرانی وجود دارد که گسترش روابط تجاری با ایران می‌تواند موجب تحمیل تحریم‌های ثانویه یکجانبه تهدید شده توسط ایالات متحده در پاسخ به آن شود. این امر به شدت مانع ادغام همه جانبه بلوک شده است، اما امیدواریم که اعضای آن بتوانند بر سر طرحی به توافق برسند که در صورت مذاکره مجدد و آشناتر شدن تهران بر سر توافق هسته‌ای و این عوامل بازدارنده اقتصادی-مالی دیگر عاملی مانند پیش‌بینی ممکن نیست در نهایت اتفاق بیفتد.

**چهارم،** باید تلاش‌هایی برای بهینه‌سازی پروژه‌های اتصال فرامنطقه‌ای مرتبط، هم پروژه‌های موجود مانند CPEC و هم پروژه‌های بالقوه مانند کریدور ترانس-افغان بین چین و ایران صورت گیرد. این را می‌توان با طوفان فکری روش‌هایی انجام داد که در آنها می‌توان آنها را گسترش داد، آنها را با یکدیگر جفت کرد و نقش بزرگتری را که انتظار می‌رود در عملکرد ECO ایفا کنند، هم به عنوان یک سازمان و هم در رابطه با اقتصاد هر کشور عضو انجام می‌شود.

**وپنجم،** اعضای اکو باید به طور جدی حکمت دعوت از چین را برای تبدیل شدن به یک شریک گفتگوی ناظر در نظر بگیرند. اعطای روش‌های چنین مواردی قبلاً توسط جمهوری خلق مطابق با آنچه در وب‌سایت سازمان نوشته شده است رعایت شده است. اکو با برقراری برخی روابط رسمی با چین با توجه به این واقعیت که اهداف آن مکمل با BRI است و سرمایه‌گذاری‌های چینی در این کشورها جان تازه‌ای در این بلوک دیده است، بسیار سود خواهد برد.

در مجموع، امیدهای زیادی وجود دارد که اجلاس رهبری امسال به طور محسوسی اهداف یکپارچه‌سازی اکو را با توجه به واقعیت جدید ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی که این کشورها در پی خروج آمریکا از افغانستان در آن ملاقات می‌کنند، پیش‌برد. اما مهمتر از آن، سرمایه‌گذاری‌های چین در BRI در بسیاری از این کشورهای عضو، چالش‌های حمل و نقل قبلی آنها را حل کرده است و در نتیجه به آنها این فرصت را می‌دهد که در نهایت در صورت داشتن اراده، پتانسیل کامل خود را به کار گیرند.

### **چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :**

**اندرو کوریکو** یک تحلیلگر سیاسی آمریکایی مستقر در مسکو است که متخصص در رابطه بین استراتژی ایالات متحده در آفریقا-اوراسیا، چشم‌انداز جهانی یک کمربند یک جاده چین برای اتصال جاده ابریشم جدید و جنگ هیبریدی است. او به طور مکرر در تحقیقات جهانی مشارکت دارد.

----- **با تقدیم احترامات «2021-12-15»**

